

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مطالعات فقه سیاست

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱



صاحب امتیاز: مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)

مدیر مسئول: آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی

سر دبیر: سید جواد حسینی خواه



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- ◆ حسین ارجینی (عضو هیأت علمی دانشگاه معارف اسلامی، دکتری علوم سیاسی)
- ◆ علیرضا اسلامیان (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ◆ سیدسجاد ایزدهی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ◆ سید جواد حسینی خواه (مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، دکتری فقه روابط بین الملل)
- ◆ قاسم شبان نیا (عضو هیأت علمی مؤسسه امام خمینی (ره)، دکتری علوم سیاسی)
- ◆ مجتبی عبدخدایی (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، دکتری روابط بین الملل)
- ◆ عباس کعبی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ◆ احمد مبلغی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ◆ محمد قاسمی (مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، دکتری فلسفه سیاسی)

دبیر اجرایی: محمدحسن استاد میرزا

طراح جلد: حمیدرضا پورحسین

مترجمان: ابراهیم حسن (عربی) - جاوید اکبری (انگلیسی)

دبیر تحریریه: محمد قاسمی

ویراستار: محسن اکبری

صفحه آرا: محسن شریفی

مجوز انتشار نشریه مطالعات فقه سیاست در زمینه فقه و علوم سیاسی (تخصصی) به زبان فارسی و ترتیب انتشار دوفصلنامه به نام مرکز فقهی ائمه اطهار (عج) در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۲۰ به شماره ثبت ۸۷۸۲۶ از سوی معاون امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر گردید.

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)، معاونت پژوهش، دفتر دوفصلنامه مطالعات فقه سیاست

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵ - دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال





## Examining the People's Duty in Achieving Independence and Eliminating Dependence on Others according to Quranic Verses and Prophetic Traditions

*Sayyid Sajjād Izdehi<sup>1</sup>*

*Muhammad Kāzīm Ibrāhīmī<sup>2</sup>*

### Abstract

The debate on the independence of the Islamic society has always been one of the major and main subjects of contention and heated discussion in the field of politics. The realization and preservation of independence of the Islamic society is not only a duty of the statesmen, but also that of the people and general citizens. This article discusses the role of the people in achieving independence in three spheres: political, economic and cultural. Accordingly, the article using an analytical-descriptive research method, focuses on the verses and narrations concerning political, cultural and economic independence of the Islamic society as well as the supervision of the people in two ways: supervision of each other and supervision of the government. The conclusion drawn out is that according to Islamic thought, the protection of independence in the three mentioned dimensions and the supervision of it, is one of the most important and fundamental duties of the citizens of the Islamic society. In other words, cutting off the influence of foreigners and their interference in the decision-making of the Islamic society, fighting against cultural invasions, striving for economic growth and independence, and monitoring these developments are among the most important ways to gain or maintain the independence and authority of the society. Therefore, each and every individual has the duty to endeavor to achieve and preserve the independence of the Islamic society and also help the government as well as to supervise its activities in line with achieving this objective.

**Keywords:** people, independence, jurisprudence, responsibility, dependence, verses and traditions.



1. Full professor, department of politics, Islamic Thought and Culture Research Institute

2. Graduate of the Islamic Seminary of Qom and doctor of political jurisprudence (corresponding author).

## بررسی وظایف مردم در تحقق استقلال و رفع وابستگی به غیر، از منظر آیات و روایات

سید سجاد ایزدهی<sup>۱</sup>

محمد کاظم ابراهیمی<sup>۲</sup>

### چکیده

بحث از استقلال جامعه اسلامی همواره یکی از مباحث کلان و اصلی در حوزه سیاست بوده است. این مهم علاوه بر اینکه بر عهده دولتمردان است، مردم و عموم شهروندان نیز، نسبت به تحقق آن بدون تکلیف نیستند. این مقاله، نقش مردم در تحقق استقلال در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را مورد نظر قرار داده است. بر این اساس با روش تحلیلی - توصیفی، به منظور بهره‌برداری از آیات و روایات در زمینه استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه اسلامی و نظارت مردم به دو نحو نظارت بر یکدیگر و نظارت بر حکومت به این نتیجه دست یافته است که حفاظت از استقلال در سه بُعد مذکور و نظارت بر آن، در اندیشه اسلامی یکی از مهمترین و اساسی‌ترین وظایف شهروندان جامعه اسلامی است؛ به عبارت دیگر قطع نفوذ بیگانگان و دخالت آنان در تصمیم‌گیری‌های جامعه اسلامی، مبارزه با تهاجمات فرهنگی، سعی و تلاش در جهت رشد و استقلال اقتصادی و اعمال نظارت در این امور، از مهمترین راهکارهای به دست آوردن استقلال و اقتدار جامعه است. بنابراین تک‌تک مردم وظیفه دارند علاوه بر حرکت در این جهت، حکومت را در این امر یاری رسانده و بر آن در راستای عمل به وظایفش نظارت داشته باشند.

واژگان کلیدی: مردم، استقلال، فقه، وظیفه‌مندی، وابستگی، آیات و روایات.

۱. استاد تمام گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. sjadizady@yahoo.com

۲. دانش آموخته حوزه علمیه قم و دکتری فقه سیاسی (نویسنده مسئول). m.mahdi.e.704@gmail.com



## مقدمه

یکی از مؤلفه‌های جامعه دینی «استقلال و وابسته نبودن جامعه» است. استقلال - به معنای عدم وابستگی و پیوستگی به غیر، قطع نفوذ بیگانگان از جامعه اسلامی - در نظام سیاسی اسلام یکی از مقوله‌هایی است که سبب بقاء، عامل پیشرفت، امنیت و اقتدار جامعه اسلامی است و در اندیشه اسلامی، استقلال جامعه و نفی سلطه و سیطره بیگانگان به عنوان یک اصل مهم در حیات اجتماعی و سیاسی مطرح است. این بحث را فقها و مفسران با اتخاذ از آیات و روایات در کتب فقهی و تفسیری مطرح نموده و در ادامه، پژوهشگران در مباحث علوم سیاسی به این بحث پرداخته‌اند؛ ولی امروزه با توجه به تلاش همه جانبه استکبار جهانی برای سلطه بر جوامع اسلامی و گسترش تهاجم فرهنگی از سوی آنان خصوصاً در بستر فضای مجازی که این موضوع رونق و اهمیت بسزایی یافته است، نیازمند سعی و تلاشی همگانی است. بر این اساس حکومت و آحاد جامعه اسلامی می‌بایست در تمام عرصه‌های حیات سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی از زیر بار استثمار بیگانگان خارج شده تا نیرو و استعدادشان را برای پیشرفت، توسعه و تکامل فراهم نمایند.

در این مقاله ابتدا به مفهوم‌شناسی استقلال پرداخته و سپس وظایف و مسئولیت‌های مردم نسبت به حفظ استقلال در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تبیین و نهایتاً راهکارهای رسیدن به استقلال و رفع وابستگی جامعه اسلامی از منظر آیات و روایات بحث و بررسی خواهد شد.

## ۱. مفهوم‌شناسی استقلال

«استقلال» واژه‌ای عربی است که با کلمات «تقلیل»، «قلت» و «قلیل» هم خانواده بوده و در لغت به معنای کم کردن و به حداقل رساندن می‌باشد. (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۸۰۴) از آنجاکه استقلال از باب استفعال است و استفعال به معنای طلب فعل می‌باشد به معانی: قصد کم کردن، تحلیل بردن و به حداقل رساندن به کار می‌رود. بر این اساس فرد، جامعه یا ملت استقلال طلب، خواستار به حداقل رساندن و تحلیل بردن وابستگی‌ها و اتکاء به بیگانگان است.

در برخی لغت‌نامه‌ها به معنای برداشتن، بلند کردن، به جای بلند آمدن آمده است. (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۴۵۴) و برخی به ضابط امر خویش بودن معنا کردند. (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۶۲۹. دهخدا، ۱۳۴۵ش، ج ۲، ذیل واژه استقلال).

در اصطلاح، استقلال به معنای اعمال حاکمیت یک دولت در محدوده مرزها و سرحدات



جغرافیایی و دفاع از این مرزها در برابر تجاوز و دخالت‌های خارجی، همچنین حمایت از مرزهای اعتقادی و فکری است. برخی آن را چنین تعریف کرده‌اند:

جدا بودن شکل و ساختار قدرت دولتی یک کشور و همه نهادهای عمومی اعم از سیاسی، اداری، اقتصادی، قضایی، نظامی، مذهبی و چگونگی کارکرد این نهادها و قوانین و مقررات حاکم بر آنها از هر نوع سلطه و سیطره خارجی (عمار و نوروزی، ۱۳۹۴، ص ۲۶. آقابخشی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۴).  
بنابراین، چنانچه ملتی بتواند بدون تأثیرپذیری از محیط خارجی؛ اعم از منطقه‌ای و نهادهای اثرگذار بین‌المللی؛ هم‌چون قدرت‌های بزرگ، سازمان‌های اقتصادی (بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) و شرکت‌های چند ملیتی برای خود برنامه‌های کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تدوین نماید و بر سرنوشت و مقدرات خویش تسلط داشته، دارای قدرت تصمیم‌گیری مستقل باشد، آن را ملت مستقل می‌نامند.

گرچه تمایل به سلطه در سرشت انسان قرار دارد و البته این میل در دولت‌ها بیشتر تجلی می‌یابد، به گونه‌ای که درصدد مطیع ساختن دیگران و بهره‌برداری از منابع و امکانات آنان بر می‌آیند؛ ولی از سوی دیگر میل به استقلال نیز برای انسان فطری است و جوامع و دولت‌های گوناگون در پی هویت و استقلال عملی خویش هستند البته استقلال کامل، خصوصاً در عرصه اقتصاد و تعاملات اقتصادی دشوار است. جامعه اسلامی نمی‌تواند بدون دادوستد اقتصادی و بریده از دیگران زندگی کند؛ بلکه باید رابطه متوازن اقتصادی داشته باشد.

## ۲. وظایف مردم در تحقق استقلال سیاسی

از منظر آیات و روایات، استقلال و نفی سلطه و سیطره بیگانگان بر جوامع اسلامی به عنوان یک اصل مهم در حیات اجتماعی و سیاسی مطرح بوده، ضامن بقاء و اقتدار جامعه است. بر این اساس آحاد مردم وظیفه دارند در تحقق و حفظ استقلال در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... تلاش نموده و منشأ وابستگی‌های استثمارگرانه را از بین ببرند تا توان استعدادشان را برای پیشرفت، توسعه و تکامل جامعه اسلامی فراهم نمایند. اینک وظایف آحاد مردم در سه حوزه استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### ۲-۱. افزایش آگاهی سیاسی در روابط مسلمانان با مستکبران

یکی از وظایف مردم در راستای استقلال سیاسی کشور اسلامی، ارتقاء سطح آگاهی و هوشیاری سیاسی مردم در حوزه سیاست خارجی و روابط مسلمانان با کشورهای غیراسلامی



است. براساس معیار قرآنی رفتار مسلمانان با مستکبران برپایه دو اصل «نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» استوار است؛ یعنی اسلام دین انزوا نیست که جدا از جهان زندگی کند؛ اما در روابط خود با دیگران نه سلطه‌گر است و نه سلطه‌پذیر، هم سلطه‌گری را امضا نمی‌کند و هم سلطه‌پذیری را ننگ می‌داند. تمام نهادهای مردمی بایستی به این دو بند رفتاری توجه داشته و به این دستور قرآن عمل کنند که «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹) نه ستم روا می‌دارید و نه زیر بار ستم می‌روید. قرآن کریم روابط را براساس قسط و عدل تنظیم می‌کند، نه اجازه می‌دهد کسی از قدرت سوء استفاده و ظالمانه رفتار کند و نه اجازه می‌دهد کسی ظلم را بپذیرد و تاحد توان به مقابله با ستم برخیزد. بزرگترین ظلم و ستم بر امت اسلامی، سلطه‌گری مستکبران و اعمال سیاست سلطه‌جویانه بر جوامع اسلامی است.

## ۲-۲. جهاد و مقاومت در راستای استقلال و ثبات سیاسی کشور

از دیگر وظایف مردم آن است که تمام توان خود را در جهت ایجاد و حفظ استقلال در امور سیاسی به کار بندند. قرآن کریم همواره بر استقلال سیاسی و عزت‌مندی مسلمانان تأکید داشته و سیطره و نفوذ بیگانگان بر مسلمانان را به هیچ وجه نمی‌پذیرد. این شاخص ریشه در اصل «نفی سبیل» دارد و بر اساس آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) هیچ‌گاه خداوند راهی برای پیروزی و تسلط کافران بر مسلمانان قرار نداده است» فقها از آن به عنوان یک قاعده فقهی نام می‌برند. در بینش الهی و اسلامی، سیاست خارجی، روابط و ارتباطات کشورهای اسلامی با کشورهای غیراسلامی می‌بایست براساس این قاعده برنامه‌ریزی و کنترل شود. قاعده نفی سبیل راه هر نوع نفوذ و سلطه یافتن کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، فرهنگی و... را مسدود می‌کند. در حقیقت جامعه اسلامی با در نظر گرفتن این اصل می‌تواند به پیشرفت، تعالی و ترقی دست پیدا کند چرا که وجه امتیاز مسلمانان حفظ هویت اسلامی و استقلال آن در برابر بیگانگان است.

از ملزومات این قاعده حرمت تسلط کفار بر کشورهای اسلامی و وجوب دفاع از مرزهای سرزمین اسلامی در برابر تهاجم کفار است. این امر اختصاص به مرزهای کشور خاصی ندارد؛ بلکه محافظت از سرزمین‌های اسلامی (دارالاسلام) را در برابر سلطه کفار (دارالکفر) می‌خواهد. این قاعده که به نفی هرگونه سلطه سیاسی از جانب کفار بر مسلمانان اشاره دارد به دو نحو خودنمایی می‌کند: از یک سو مسلمانان بایستی در برابر مداخله‌گری فیزیکی کفار در



سرزمین‌های اسلامی مقاومت نشان داده و در بُعد سیاسی، از پذیرش هرگونه تحت‌الحمایگی، پذیرفتن ظلم و ستم در قالب قراردادها و ورود آنان در تصمیم‌گیری‌های کلان جامعه خودداری کنند. از سوی دیگر می‌بایست جنبه ایجابی نفی سلطه را که در استقلال در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری هویدا می‌شود، مورد اهتمام قرار داد. یعنی از یک طرف مقاومت‌های منفی در قبال تسلط بیگانگان را باید نشان داد و از طرف دیگر برخورد ایجابی و مثبت را در جهت نفی چهره شدن کفار بر مسلمین مورد عنایت قرار دهند. (ایزدهی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۱۷)

البته پرواضح است عدم برقراری رابطه مودّت آمیز و طرح دوستی با کفار و بیگانگان - چه در سطح فردی و چه در سطح دولت‌ها - به معنای قطع ارتباط با آنها نیست، جهان اسلام نمی‌تواند با جهان خارج هیچ‌گونه ارتباطی نداشته باشد؛ بلکه به حکم ضرورت، مردم و دولت‌های اسلامی طبق موازین و اصول اسلامی می‌توانند با غیرمسلمان‌ها رابطه سیاسی و غیرسیاسی داشته باشند؛ زیرا این‌گونه ارتباط‌هاست که می‌تواند زمینه دعوت و تبلیغ اسلام را از یک سو و بهره‌مندی ممالک اسلامی از علوم و فنون جدید را از سوی دیگر فراهم سازد. بنابراین، در اسلام مطلق رابطه و همزیستی با کافران ممنوع نشده و هر رابطه‌ای که متضمن سلطه توهین‌آمیز نباشد جایز است. (حقیقت، ۱۳۸۵ش، ص ۱۰۳. کرمی و نبی‌زاده، ۱۳۸۵ش، ص ۳۵).

همچنین ملت‌های بیگانه ناچارند با امت اسلامی رابطه برقرار کنند؛ اما بدون تردید آنها منافع خود را بر منافع جهان اسلام مقدم می‌دارند و دراین رابطه ممکن است از هیچ‌گونه فساد و تحریف افکار و تبلیغات سوء، نسبت به مسلمانان خودداری نکنند. آنچه که بیش از همه چیز در نظر آنها مهم و با ارزش تلقی می‌شود، در دست گرفتن رهبری سیاسی جهان اسلام است، چون می‌دانند که با در دست گرفتن تدبیر و رهبری جهان اسلام می‌توانند بر همه امور آنان چیره شوند.

قرآن کریم به این نکته حساس که غفلت از آن ممکن است، به قیمت حیات و موجودیت ملتی تمام شود، توجه کامل داشته و در چندین مورد به مسلمانان یادآور شده است که باید امت اسلامی در برخورد با بیگانگان و معاشرت با آنان بی‌اندازه هوشیار و بیدار بوده، آنان را محرم اسرار خود قرار ندهند و دشمنان را از رازهای سیاسی خود آگاه نسازند؛ چنانکه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ يَتَّبِعُ لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (آل عمران: ۱۱۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید محرم اسراری از غیر خود انتخاب نکنید، آنها از هرگونه شر و فساد دربارۀ شما کوتاهی نمی‌کنند، آنها دوست دارند شما در زحمت و رنج باشید (نشانه‌های) دشمنی از



دهان آنها آشکار است و آنچه در دل پنهان دارند از آن هم مهمتر است، ما آیات (و راه‌های پیشگیری از شر آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید».

و در جای دیگر چنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (مانده: ۵۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید یهود و نصاری را تکیه‌گاه خود قرار ندهید، آنها تکیه‌گاه یکدیگرند و کسانی که از شما به آنها تکیه کنند از آنها هستند خداوند جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند.

البته صرف غیرمسلمان و غیردینی بودن یک حکومت سبب قطع رابطه امت اسلامی با آن کشور نمی‌شود؛ بلکه مسلمانان اعم از مسئولان حکومت و رعیت می‌توانند هرگونه رابطه‌ای که منجر به سلطه کفار بر مسلمین نشود داشته باشند؛ اما آنچه موجب قطع رابطه کشور اسلامی با کشورهای غیراسلامی می‌شود، دشمنی آن کشور با امت اسلامی، ظلم و ستمگری و مداخله در امور داخلی جامعه اسلامی است که سبب تضعیف و برهم زدن امنیت و اقتدار جامعه اسلامی می‌گردد.

بنابراین، استقلال سیاسی یکی از پایه‌های اساسی سیاست خارجی اسلام است؛ زیرا با استقلال سیاسی است که می‌توان فرهنگ و اقتصاد را که دو رکن بزرگ حیات اجتماع است در مسیر رشد و ترقی ملت قرار داد و اجتماع را به تکامل سوق داد. تکامل ملت بسته به تکامل فرهنگ و اقتصاد است و رشد و تکامل فرهنگ و اقتصاد جامعه بستگی به رهبری صحیح سیاسی و هم استقلال کامل سیاسی دارد. (سبحانی، ۱۳۷۰ش، ص ۶۱۹-۶۲۰) از این رو، تک‌تک افراد جامعه اسلامی وظیفه دارند در جهت رشد استقلال سیاسی مسلمانان و رفع وابستگی به بیگانگان تلاش نمایند و موانع استقلال را از سر راهشان بردارند و راه‌های نفوذ بیگانگان را ببندند.

### ۳. وظایف مردم در حوزه استقلال فرهنگی

مسئولیت‌هایی که مردم در حوزه استقلال فرهنگی دارد عبارتند از:

#### ۳-۱. تقویت فرهنگ خودی و مبارزه با فرهنگ غربی

همواره یکی از ابزارهای اصلی دشمنان اسلام و استکبار جهانی برای غلبه بر جوامع اسلامی «تهاجم فرهنگی» یا به عبارت دیگر «استحاله فرهنگی» بوده است؛ تا بدین وسیله راه نفوذ خود را برای تسلط بر کشورهای اسلامی هموار سازد و از آنجا که فرهنگ غرب با فرهنگ جوامع اسلامی از لحاظ مبنایی کاملاً متفاوت است، کسانی که زیربار استعمار و فرهنگ غربی می‌روند دچار انحراف و از خودباختگی می‌شوند.





فرهنگ، شناسنامه و هویت یک ملت است و شخصیت جهانی و اعتبار یک ملت بسته به فرهنگ متشخص آن ملت است. در این زمینه به کلام گهربار رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی علیه السلام اشاره می‌کنیم که در زمینه اهمیت فرهنگ و نقش آن در جامعه می‌فرماید: بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوگ و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند، و بالأخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ ش، ج ۱۵، ص ۲۴۳)

در تفکر امام خمینی علیه السلام تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد. با وجود آنکه بیشتر کشورهای توسعه نیافته دارای منابع، معادن و استعدادهای سرشاری هستند و نیاز اقتصادی و صنعتی کشورهای پیشرفته را تأمین می‌نمایند؛ ولی نقطه قوت این کشورها نیز با اعمال سیاست‌های مختلف و هجمه فرهنگی بیگانگان به نقطه ضعفی تبدیل شده است و به عنوان یک ابزار فشار برای کشورهای عقب مانده مورد استفاده قرار می‌گیرد و استعمارگران برای ترویج فرهنگ خودشان از هر طریقی وارد می‌شوند. تحت سلطه قرار گرفتن کشورها و افتادن در دام تهاج فرهنگی غربی، بسیاری از کشورهای اسلامی را دچار معضلات و مشکلات امنیتی و اختلاف‌های گوناگون نموده است.

امروزه تهاجم و ترویج فرهنگی غرب به شکل‌های مختلف از طریق القای فکر و اندیشه از خود بیگانگی، تبعیت از بیگانگان و تقلید کورکورانه از فرهنگ غرب، انتشار کتاب‌ها و فیلم‌های ضد دینی، در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بسیاری از کشورهای اسلامی سرایت یافته که می‌بایست جایگزینی برای این برنامه‌های انحرافی در نظر گرفته شود.

در چنین وضعیتی وظیفه آحاد مردم این است که خویشتن خویش را دریافته و به حفظ مفاخر و آثار ملی و فرهنگی بکوشند و از ترویج فرهنگ غرب تا حد امکان جلوگیری نمایند؛ چرا که استکبار جهانی با نابودی فرهنگ بومی هر ملتی و رسوخ در ساختار فرهنگی و فکری



آن، جوامع اسلامی را به دام می‌اندازد و از این طریق بدون هیچ زحمتی منابع و ذخایر کشورها را به سرقت می‌برند.

## ۳-۲. اعمال نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر)

یکی از وظایف مهم و اساسی مردم در حوزه استقلال فرهنگی نظارت داشتن بر استقلال جامعه است که به دو نحو انجام می‌پذیرد:

### ۳-۲-۱. نظارت بر یکدیگر

یکی از موارد نظارت به عنوان وظیفه اجتماعی مردم نظارت بر یکدیگر است. برخلاف نظام‌های سیاسی دنیا که گروه خاصی مأمور اجرای قانون و نظارت بر آن هستند، در اسلام نظارت عمومی و همگانی وجود دارد؛ یعنی هر فرد جامعه اسلامی موظف به پاسداری از ارزش‌های جامعه و نظارت بر حفظ استقلال کشور است. این حق نظارت عمومی که تضمین کننده رسیدن جامعه به کمال، سعادت، استقلال و امنیت است «امر به معروف و نهی از منکر» نامیده می‌شود.

امر به معروف و نهی از منکر در این جهت به معنای - امر کردن و وادار نمودن به حراست از استقلالی و تمامیت ارضی کشور اسلامی و بازداشتن از سلطه‌پذیری - یک وجهه ارشادی و هدایت‌گری دارد و یک وجهه انتقادی؛ وجهه انتقادی امر به معروف و نهی از منکر در دو فرض نظری و عملی تحقق می‌پذیرد؛ که صورت نظری آن در مناقشات علمی و معرفتی صورت می‌پذیرد و صورت عملی آن در هشدارها و برخوردها با افراد استعمار یافته، با رعایت مدارج و مراتب مشروع امر به معروف و نهی از منکر نمودار می‌گردد.

نقش این دو فریضه در هر دو وجهه واکنش‌نمودن، مقابله با عوامل استعمار و در نهایت تأمین کننده استقلالی و تمامیت ارضی جامعه اسلامی است. بنابراین، در امر به معروف و نهی از منکر مصلحت و حیات ملت وجود دارد و انجام این فریضه باعث جلوگیری از فساد وابسته بودن و عدم استقلال جامعه است.

### ۳-۲-۲. نظارت مردم بر کارگزاران حکومتی

در اندیشه اسلامی مردم موظف‌اند بر کارگزاران و مسئولان حکومتی نظارت داشته و آنان را از وابستگی به قدرت‌های بیگانه و زیر سلطه قرار گرفتن باز دارند. از این‌رو عملکرد کارگزاران جامعه اسلامی باید بر اساس نفی سلطه کفار و بیگانگان بر مسلمانان باشد.



مسئولان جامعه بایستی در بعد سیاسی، از پذیرش هرگونه سلطه و سیطره بیگانگان، پذیرفتن ظلم و ستم در ارتباطات سیاسی، مداخله آنان در تصمیم‌گیری‌های کلان جامعه خودداری کرده و در حوزه فرهنگی، نفی سلطه فرهنگی بیگانگان، مشورت و اطلاع از اسرار درونی حکومت را مورد توجه قرار دهند و هم‌چنین در حوزه اقتصادی از تسلط کفار بر ذخایر و معادن کشور اسلامی، غارتگری و چپاول اموال مسلمین و صدور کالاهای تجاری که سبب تسلط و سیطره آنان بر بلاد اسلامی می‌گردد جلوگیری کرد. (ایزدهی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷).

در جامعه اسلامی آحاد مردم نصیحت‌گر یکدیگرند و این را از وظایف اصلی خود در برابر جامعه و حکومت می‌دانند. این خیرخواهی برای رهبران و مسئولان حکومتی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا خیرخواهی برای آنان در حقیقت خیرخواهی برای جامعه و مردم نیز هست؛ چون حکومت تافته جدابافته از جامعه نیست و سازمان‌های حکومتی زیرمجموعه‌ای از جوامع اسلامی هستند. این سازمان‌ها امکانات عمده‌ای را در اختیار داشته و نقش اساسی در استقلالی، پیشرفت، امنیت و تکامل اجتماعی جوامع ایفا می‌نمایند. بنابراین، نظارت بر آنان دارای اولویت بیشتری است و انجام فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» بدون انجام آن نسبت به سازمان‌ها و نهادهای حکومتی ناتمام خواهد ماند و نتایج مطلوب را به بار نخواهد آورد؛ چنانکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ» رعیت به صلاح نمی‌رسد مگر با اصلاح والیان و رهبران.

بنابراین، مردم در حیات اجتماعی خود موظفند در ابتدا نوع نظام سیاسی و خطوط اصلی مسیر حرکت اجتماعی سیاسی خویش را با برگزیدن زمامداران و کارگزاران شایسته تعیین کنند و بعد از آن نیز مراقب رفتار و عملکرد آنان باشند؛ تا چنانچه زمامداران و مسئولان جامعه از مسیر و اهداف تعیین شده منحرف شدند، به اصلاح آنان با تذکر و نصیحت و هشدار پرداخته و آنان را از وابستگی به قدرت‌های بیگانه و زیر سلطه قرار گرفتن باز دارند، نسبت به تهاجم فرهنگی دشمن حساس باشند. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: خوشبختی و سعادت راستین برای امت اسلامی آنگاه حاصل می‌شود که سلطه استعمارگران شرق و غرب و تهاجم فرهنگی آنان؛ بویژه آمریکای جنایتکار از سر مسلمانان برداشته شود. (موسوی خمینی، ۱۳۶۵، ج ۱۲، ص ۱۱)

#### ۴. وظایف مردم در حوزه استقلال اقتصادی

یکی از وجوه استقلال، استقلال اقتصادی است؛ یعنی عدم وابستگی اقتصادی جامعه اسلامی به بیگانگان و استعمارگران، به عبارت دیگر استقلال اقتصادی یعنی خودکفایی از نظر



اقتصادی. مردم در این خصوص نیز وظایفی دارند که در ذیل بیان می‌شود:

#### ۱-۴. تلاش برای خودکفایی و اهتمام به تولیدات داخلی

باید توجه داشت وابستگی اقتصادی که ناشی از عدم اعتماد به نفس است، منشأ وابستگی‌های دیگری می‌شود؛ زیرا در روابط بین انسان‌ها از روابط آنها به صورت شخصی گرفته تا روابط دولت‌ها و حکومت‌ها با یکدیگر، این مطلب به اثبات رسیده است که در اثر نیازهای اقتصادی، وابستگی‌های دیگر به‌طور مرموز و نامحسوس کشور و ملت وابسته را تهدید می‌کند.

امام خمینی رهایی از وابستگی فکری را شرط رهایی از وابستگی اقتصادی دانسته و در این زمینه فراوان سخن گفته‌اند؛ چنانکه در یک جا می‌فرماید: «امکان ندارد که استقلال به دست بیاید قبل از اینکه استقلال اقتصادی داشته باشیم». (موسوی خمینی، ۱۳۶۵، ج ۱۰، ص ۱۰۵) «اگر مسامحه کنیم و وابسته به خارج باشیم، این وابستگی اقتصادی به خارج قهراً وابستگی سیاسی می‌آورد. قهراً وابستگی اجتماعی می‌آورد و ما همان اسیرها خواهیم بود که بودیم و بر ما همان‌ها حکومت خواهند کرد که کردند». (موسوی خمینی، ۱۳۶۵، ص ۴۰). در جای دیگری نیز می‌فرماید: اسلام وابستگی شما را و خودمان را به دیگران منکر است، می‌گویند: نباید صنعت ما وابسته باشد، نباید زراعت ما وابسته باشد، نباید ادارات ما وابسته باشد، نباید اقتصاد ما وابسته باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۶۵، ج ۹، ص ۱۶۶).

از منظر اسلام و تفکر اسلامی نیازمندی نوعی اسارت است؛ چنانکه امام علی علیه السلام درباره آثار وابستگی و نیاز به دیگران چنین می‌فرماید: «إحتیج إلی من شئت و کن أسیراً»؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۳۴) به هرکس نیازمند شوی اسیر او می‌شوی. این بیان حضرت به خوبی می‌رساند که نتیجه نیاز و وابستگی در نهایت اسارت خواهد بود؛ زیرا انسان نیازمند، گاهی برای برطرف کردن احتیاج‌های خود ناچار است به تملق و چاپلوسی تن دهد و چنین وضعیتی به مرور وابستگی شدید و اسارت را در پی خواهد داشت. لذا سفارش پیشوایان دینی آن است تا جایی که امکان دارد، جامعه اسلامی و مسلمانان باید به خود متکی باشد و دست نیاز به دیگران دراز نکند؛ چنانکه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: إِدْفِعِ الْمَسْأَلَةَ مَا وَجَدْتَ التَّحَمُّلَ يُمَكِّنُکَ؛ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۲۹، ح ۸)؛ درخواست را تا آنجا که تحمل داری به عقب انداز. یعنی تا ضرورتی پیش نیامده باید دامن تقاضا را کوتاه کرد».

در آموزه‌های دینی بی‌نیازی از دیگران و خوداتکایی سبب عزتمندی جامعه اسلامی است. امام



صادق علیه السلام می‌فرماید: «عِزَّةُ اسْتِغْنَاءُ عَنِ النَّاسِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۴۸) عزت مؤمن به بی‌نیازی او از مردم است. از این جهت وقتی که امام صادق علیه السلام در هوای گرم و داغ به فعالیت اقتصادی می‌پردازد و مورد سوال واقع می‌شود که چرا در این روز گرم خود را به زحمت می‌اندازید، حضرت می‌فرماید: «خَرَجْتُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ لِأَسْتَعْنِيَ عَنْ مِثْلِكَ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۷۴، ح ۳) برای بدست آوردن روزی تلاش می‌کنم تا از وابستگی به تو و امثال تو بی‌نیاز شوم.

بنابراین، وابسته بودن به دیگران مانند برده بودن برای آنها است. بر عکس این حالت، بی‌نیازی و خودکفا بودن از دیگران، انسان و جامعه بی‌نیاز را نظیر و هم‌طراز با دیگران قرار می‌دهد. امام علی علیه السلام در این زمینه چنین می‌فرماید: «إِسْتِغْنَاءُ عَمَّنْ شَتَّى وَ كُنْ نَظِيرَهُ»؛ (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۲۰) از هر کسی بی‌نیاز باشی، همسان او خواهی شد. البته ظاهراً این همسانی در صورتی است که طرف مقابل انسان نیز نیازمند به او باشد؛ یعنی نیازمندی دو طرفه و به طور مساوی باشد و این می‌طلبد که مردم و دولت اسلامی همواره در تولید کالاهای استراتژیک و اساسی تلاش کند. ولی اگر جامعه اسلامی به شکل یک جانبه نیازمند دیگران باشد، به مرور سلطه شوم بیگانگان بر تمام زوایای اقتصاد اسلامی سایه افکنده، وابستگی یک جانبه بیشتر خواهد شد و ممکن است جامعه اسلامی از این لحاظ، مورد تهدید، تحریم و تعرض دیگران قرار گیرد و چنین وابستگی همیشه تهدید علیه کشور وابسته و نیازمند شمرده می‌شود. هر اندازه میزان وابستگی و نیاز عمیق باشد، تهدید نیز جدی‌تر خواهد بود. اگر وابستگی در کالاهای استراتژیک؛ مانند گندم، دارو و... باشد، ضریب تهدید نیز بیشتر خواهد شد و هرچه تهدید برای کشوری از ناحیه کالاهای اقتصادی بیشتر شود، ضریب امنیت اقتصادی آن کشور پایین می‌آید و در این صورت زمینه فشار و تعرض به کشور بیشتر، و ناامنی اقتصادی شدیدتر می‌شود. هنگامی که کشور استقلال اقتصادی نداشته باشد و در معرض تهدید دیگران باشد آن کشور به ذلت سیاسی نیز تن خواهد داد و کشور وابسته، دائم پیرو و به قول امیرالمؤمنین علیه السلام اسیر سیاست دیگران خواهد شد. بنابراین، جامعه اسلامی زمانی به عزت، استقلال و اقتدار می‌رسد که بتواند قبل از هرچیز در بخش تولید - حداقل در سطح تولیدات مواد غذایی و استراتژیک - به خودکفایی برسد.

در اندیشه اسلامی، انسان از نظر امرار معاش و اقتصاد از همه چیز و همه کس بریده و تنها به خداوند پیوند خورده و وابسته است که نخستین ثمره این وابستگی برای انسان مسلمان و همچنین دولت اسلامی، دراز نمودن دست نیاز فقط به سوی خدا و توکل بر اوست. استمداد از



غیر خدا نتیجه‌ای جز از بین رفتن عزت و ایجاد محرومیت ندارد؛ زیرا غیر خدا توانایی ایجاد عزت را ندارد. بر همین اساس امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ سَأَلَ غَيْرَ اللَّهِ اسْتَحَقَّ الْحَرَمَانُ؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۹۰) هر که از غیر خدا سؤال و درخواست نماید شایسته نومیدی است». امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ، فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ، ... وَمَنْ سَرَّهَ أَنْ يَكُونَ أَعْنَى النَّاسِ، فَلْيَكُنْ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ أَوْثَقَ بِمَا فِي يَدِهِ؛ (شهید ثانی، ۱۳۷۷ ش، ص ۴۶۳) هر که را خوشاینده و مسرور باشد از اینکه قویترین مردمان بوده باشد، پس باید توکل کند بر خدای تعالی و کار خود به او واگذارد، ... و هر که خواهد غنی‌ترین مردمان باشد، پس باید وثوق و اعتماد او به خدا باشد و وثوق و اعتماد او به خدا و آنچه نزد خدا است، بیشتر باشد از آنچه در دست خود اوست».

## ۲-۴. داشتن رابطه متوازن اقتصادی

پرواضح است رسیدن به خودکفایی در تمام زمینه‌ها برای همه کشورها ناممکن ولی لازم است. در تولید کالا و صنایع مهم و اساسی؛ مانند تولید غلات و صنایع غذایی (در صورت فراهم بودن شرایط طبیعی کشور)، تجهیزات دفاعی، آموزشگاهی، انرژی، مواد دارویی و امکانات حمل و نقل و ... یا باید به خودکفایی برسد و یا از طریق تجارت متوازن از تهیه آنها مطمئن باشد؛ زیرا چنانکه اشاره شد وابستگی در امور یاد شده، وابستگی سیاسی و فرهنگی را به دنبال دارد و یک اهرم فشاری از سوی بیگانگان برای اعمال سیاست‌های خود خواهد بود. کشورهای نیرومند معمولاً اصرار دارند دیگران را عقب نگاه دارند تا خودشان بازارهای پر رونقی برای کالاهای خود فراهم سازند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹ ق، ج ۲، ص ۲۱۹) چنانکه می‌بینیم در جهان امروز قدرت‌های بزرگ برای تسلیم کردن کشورهای جهان سوم در برابر خواسته‌های نامشروع خود از نیاز و وابستگی اقتصادی آنها به خودشان به عنوان حربه‌ای استفاده می‌کنند و از این راه آنها را در امور سیاسی و فرهنگی نیز به خودشان وابسته می‌سازند.

امروزه خود اتکایی، پیشرفت و توسعه اقتصادی، بدون ارتباط با کشورها و ملت‌های دیگر غیرممکن است؛ ولی آنچه از آیات قرآن، روایات و منابع فقهی استفاده می‌شود این است که وابستگی اقتصادی مؤثر در سرنوشت جوامع اسلامی مطلوب نیست؛ اما ایجاد رابطه با کافران در حوزه تجارت و اقتصاد مجاز است؛ منتها در صورتی که دو شرط اساسی در آن رعایت شود: اول اینکه این روابط به ایجاد همدلی و همسویی با کافران در اندیشه و عمل و دستیابی آنان



به اسرار و سیاست‌های محرمانه نظام اسلامی منتهی نگردد؛

دوم اینکه اقتدار و عزت جامعه اسلامی حفظ شود و از سیاست‌هایی که به تحمیل نظام سلطه بیگانه در روابط فی مابین بیانجامد پرهیز شود.

بنابراین، در اسلام مطلق رابطه، همزیستی و دادوستد اقتصادی با کافران نفی نشده و تأکید بر استقلال اقتصادی و رسیدن به خودکفایی به عنوان وظیفه مسلمانان به معنای انزوای تجاری نیست؛ بلکه هر رابطه اقتصادی که سبب تغییر عقیده نگردد و متضمن سلطه توهین‌آمیز و حقارت مسلمانان نباشد جایز است؛ چنانکه سیره پیامبر اسلام ﷺ در رابطه با کفار عرب و یا دولت‌های غیرمسلمان زمان خویش چنین بوده است؛ که آن حضرت با کفار ارتباط داشته ولی در برابر اصول اسلامی و تسلط اقتصادی کفار هیچ‌گاه تسلیم نبودند؛ (کرمی و نبی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۳۵) به عنوان نمونه زمانی که کفار بوسیله ابوطالب، عموی پیامبر ﷺ به آن حضرت پیشنهاد کردند که دست از تبلیغ دین برداشته و خدا را فراموش کند تا از ثروت بی‌نیازش کرده و به حکومتش رسانند، پیامبر ﷺ در جواب فرمود: «بخدا قسم اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ من قرار دهند هرگز دست از عقیده و ایمانم برنمی‌دارم و در تبلیغ دین کوتاهی نخواهم کرد» (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۸. کرمی و نبی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۳۵)؛ یعنی علاوه بر کره زمین دیگر کرات را نیز در اختیارم قرار دهند و از لحاظ اقتصادی بی‌نیازم کنند، عقیده من عوض نخواهد شد.

البته باید توجه داشت بحث «روابط با ملت‌ها» به طور کلی با مبحث «روابط با دولت‌ها» متفاوت است. از منظر فقه سیاسی اسلام، دولت اسلامی وظیفه دارد روابط خود را با همه ملت‌ها به خصوص مسلمانان و مستضعفان جهان تقویت کند. این دیدگاه بر اساس پیش‌فرض انسان‌شناسانه مکتب ما است؛ زیرا ما به نیک سرشت بودن و فطرت الهی داشتن انسان‌ها معتقد هستیم، از این رو جنس بشر را رو به اصلاح فرض می‌کنیم و امیدواریم با شنیدن کلام حق به آن تمایل پیدا کنند؛ چنانکه در حدیثی از معصوم رسیده است: «مَا مِنْ مَوْلُودٍ يُولَدُ إِلَّا عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ اللَّذَانِ يَهُودَانِهِ وَ يَنْصَرَانِهِ وَ يَمَجْسَانِهِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۹) هیچ مولودی نیست که بر فطرت الهی و توحیدی آفریده می‌شود ولی پدر و مادر او سعی در یهودی، نصرانی و مجوسی کردن او دارند».

تاریخ هم نشان داده است که برخی ملت‌ها همواره در راستای اهداف دولت‌ها قدم گذاشته‌اند و علاوه بر آن، وقتی انسان‌ها را نیک سرشت فرض کردیم، حتی اگر ملت‌ها در دوره



خاصی با دولت‌های استعمارگر هماهنگ شوند باز امکان رجوع به فطرت الهی در زمان و شرایط دیگر وجود خواهد داشت.

برقراری روابط حسنه با ملت‌ها نه تنها با تعالیم اسلامی و فطرت انسانی سازگار است؛ بلکه منافع زیادی برای ملت و دولت اسلامی نیز دارد؛ زیرا ما دو وظیفه داریم: یکی تبلیغ اسلام به دنیا و دیگر استفاده از تمدن و مظاهر آن.

ارتباط وثیق و عمیق با مردم دیگر کشورها نه تنها تبلیغ و زمینه دعوت به اسلام را محقق می‌سازد؛ بلکه زمینه استفاده‌های علمی ملت و دولت اسلامی از علوم و فنون جدید را به شکل صحیح مهیا می‌کند. لذا ارتباطات علمی بین دانشمندان و پژوهشگران دولت اسلامی با مراکز علمی دولت‌های پیشرفته از نظر تکنولوژی و فناوری‌های جدید باید وجود داشته باشد و اینگونه ارتباطات است که به صورت نسبی سیاست کلان دولت‌ها را شکل می‌دهد. ارتباطات فرهنگی، اجتماعی و علمی با دیگر ملت‌ها نه تنها مجاز که امری شایسته و بایسته به نظر می‌رسد. مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی نیز این حقیقت را تأیید می‌کند (حقیقت، ۱۳۸۵ش، ص ۲۷۴)

پس با توجه به مسئولیت جمعی و نظارت همگانی مردم، توده‌های مردم موظف‌اند از استقلال اقتصادی حمایت نموده، بر نظام اقتصادی و بر بازار نظارت داشته باشند و با تذکرات و هشدارها به متخلفان اقتصادی و همچنین با گزارش‌ها و احیاناً برخورد با آنان جلوی احتکار، غش و تقلب در معامله و هر آنچه سبب تضعیف سیستم اقتصادی جامعه اسلامی می‌شود را بگیرند.

### نتیجه‌گیری

استقلال در لغت به معنای قصد کم کردن و به حداقل رساندن است و در اصطلاح عبارت است از: جدا بودن شکل و ساختار قدرت دولتی یک کشور و نهادهای عمومی اعم از سیاسی، اداری، اقتصادی و... و چگونگی کارکرد این نهادها و قوانین و مقررات حاکم بر آنها از هر نوع سلطه و سیطره خارجی.

یکی از وظایف مردم حفاظت از استقلال سیاسی است که از پایه‌های اساسی سیاست خارجی جامعه اسلامی به شمار می‌رود؛ یعنی از سلطه و نفوذ بیگانگان بر سرنوشت و تصمیمات کشور اسلامی باید جلوگیری کرد که در فقه از آن به قاعده «نفی سبیل» تعبیر شده است. البته تصور نشود که استقلال به معنای قطع هرگونه رابطه با دیگر کشورها است؛ بلکه





سیاست خارجی و ارتباطات کشور اسلامی می‌بایست بدور از سیطره استعمارگران و همراه با حفظ عزت و اقتدار مسلمانان تنظیم گردد.

از دیگر وظایف مردم، حفاظت از استقلال فرهنگی است؛ یعنی جوامع اسلامی از نظر فرهنگی و ارزش‌های انسانی باید استقلال داشته باشند و خطرناک‌ترین وابستگی وابستگی فکری و فرهنگی است که موجب محو شدن هویت ملت می‌گردد و ملت وابسته را همانند برده‌ای می‌سازد. بنابراین، باید به تقویت فرهنگ خودی پرداخته و با تهاجم فرهنگی بیگانگان، خصوصاً؛ جهان غرب مبارزه نمایند. هم‌چنین مردم می‌بایست با اجرای امر به معروف و نهی از منکر اعمال نظارت کنند که این مهم به دو صورت محقق می‌شود:

الف) نظارت مردم بر یکدیگر؛ که همواره بر عملکردهای سیاسی افراد و نهادهای سیاسی نظارت داشته و آنان را از زیر بار رفتن بیگانگان و اندیشه استعمارگری بازدارد.

ب) نظارت برکارگزاران حکومتی؛ مردم موظف‌اند بر اعمال مسئولان حکومتی نظارت داشته و آنان را از وابستگی به قدرت‌های بیگانه و تحت سلطه قرار گرفتن باز دارد.

از جمله مسئولیت‌های مردم در جهت استقلال، تلاش برای خودکفایی در نیازهای زندگی است و اینکه جامعه اسلامی از نظر اقتصادی وابسته به بیگانگان نباشد و خود تولید کننده کالا و صنایع مهم غذایی و... باشد. هرچند جامعه اسلامی در حوزه تجارت و مبادلات اقتصادی مجاز است که با کشورهای غیر اسلامی در تعامل باشد؛ ولی به شرطی که به سلطه و سیطره آنان بر اسلام نینجامد.



## فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
۱. آقابخشی، علی اکبر (۱۳۸۹ش). فرهنگ علوم سیاسی. چ سوم، تهران: شرکت اطلاع رسانی و خدمات کتابداری چاپار.
۲. ابن هشام، عبدالملک (بی تا). سیره ابن هشام، بیروت، دارالمعرفه.
۳. ایزدهی، سید سجاد (۱۳۹۰ش). فقه سیاسی امام خمینی. تهران: چاپ و نشر عروج.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. چ دوم، قم: دار الکتاب الاسلامی.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). الصحاح. بیروت: دار العلم للملایین.
۶. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
۷. حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵ش). مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵ش). لغتنامه دهخدا. تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.
۹. سبحانی، جعفر (۱۳۷۰ش). مبانی حکومت اسلامی. قم: مؤسسه علمی و فرهنگی سیدالشهدا (ع).  
۱۰. شهید ثانی، زیدالدین بن علی (۱۳۷۷ش)، شرح مصباح الشریعة. تهران: پیام حق.
۱۱. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ق). الخصال. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق). مجمع البحرین. چ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۴. عمار، محمد اسماعیل (۱۳۹۴ش). شاخص های استقلال در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
۱۵. کرمی، محمدمهدی و پورمند نبی زاده، محمد (۱۳۸۵ش). مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. چ هفتم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). اصول کافی. چ چهارم، تهران: دار کتب الاسلامیه.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹ش). دائرة المعارف فقه مقارن. انتشارات علی بن ابی طالب (ع)، چاپخانه سلیمان زاده.
۱۸. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۵ش). صحیفه امام. چ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۵ش). صحیفه نور. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۲۰. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت (ع).